

آواز تهران

سینمای ایران چه تصویری از پایتخت ارائه داده است؟

«تهران» بارها به عنوان شخصیت اصلی در فیلم‌های مختلف مورد توجه قرار گرفته است. اهمیت این شهر مهم در ساخت درام به قدری بالاست که برخی کارگردان‌ها از نام آن در عنوان فیلم‌هایشان هم استفاده کرده‌اند. خیلی وقت‌ها تهران به عنوان شهری بزرگ و ناامن معرفی می‌شود که می‌تواند برای جوانان یا مهاجرانی که از روستاها یا شهرهای کوچک به آن قدم می‌گذارند خطر ساز باشد. بعضی اوقات اما تهران به محور درام‌های عاشقانه بدل می‌شود و در بعضی موارد هم رویکردهای متفاوت دیگری نسبت به آن وجود دارد.



تهران قدیم به روایت علی حاتمی در «طهران روزگار نو»

دیکته وزاویه

جشنواره‌ای پراز خلاقیت جشنواره‌وژانر



حافظ روحانی

تردید دارم در هیچ جشنواره‌ای به اندازه جشنواره «ملی» فیلم فجر ژانر اختراع شده باشد، با این حال در همین دوره از جشنواره تاکنون چندین ژانر جدید اختراع شده است و به جمع ژانرهای اختراعی پیشین؛ «ژانر اجتماعی»، «ژانر طنز» و «ژانر دفاع مقدس» اضافه شده است. از جمله سیدجواد حسینی که در نشست خبری فیلمش، «رقص باد» فیلمش را ذیل ژانر رئالیسم جادویی رده‌بندی کرد.

رئالیسم جادویی البته یک رویکرد در ادبیات، نمایش و سینما هست اما قراردادن آن ذیل عنوان «ژانر» نشان از سوء تفاهم‌های مرسوم درباره مفهوم ژانر است؛ سوء تفاهم‌هایی که پیش‌تر منجر به اختراع ژانر اجتماعی، ژانر طنز و ژانر دفاع مقدس هم شد. آنچه ژانر اجتماعی خوانده می‌شود آنچنان محبوب و پر کاربرد است که مجموعه‌ای عظیم از کمدی‌ها، تریلرها یا انواع ملودرام‌ها را شامل می‌شود. تردید دارم بتوان مشابه چنین واژه عجیبی را در سینمای کشور دیگری جست‌وجو کرد. همین رویکرد را می‌توان در استفاده از واژه طنز به جای کمدی در ژانر جعلی طنز هم دید.

مهم‌تر از اختراع مدام ژانرهای جدید در سینمای ایران و مشخصاً در جشنواره «ملی» فیلم فجر مشکل عمیق‌تر در استفاده از خود واژه «ژانر» است که پیش از هر چیز بر فرایند تولید، عرضه و تقاضا در سینما و ادبیات اشاره دارد و کمک می‌کند تا با طبقه‌بندی ویژگی‌های مشترک اثری را رده‌بندی و احیاناً نوآوری‌هایش را شناسایی کرد.

از آنجا که سینمای ایران در سال‌های بعد از انقلاب در ساختاری نیمه‌دولتی تعریف شده و چیزی تحت‌عنوان استودیو فیلم‌سازی در آن وجود ندارد و البته قوانین مرتبط با حقوق مؤلفان و مصنفان از شیوه‌ها یا نوآوری‌های تولید، عرضه و تقاضا حمایت نمی‌کند در نتیجه اساساً استفاده از واژه ژانر برای بسیاری از تولیدات سینمای ایران نادرست است.

به نظر می‌رسد همانطور که آقای حسینی یک رویکرد در حال‌وهوای فیلمش را ژانر نامیده است، استفاده نادرست از این واژه در دیگر تولیدات سینمای ایران و همچنین فیلم‌های این دوره جشنواره به یک غلط مصطلح و مرسوم تبدیل شده است تا رویکرد، حال‌وهوا، حس‌وحال و چیزهایی نظیر اینها به اختراع ژانرهای جدید منجر شود.



شبی در تهران (۱۳۸۶)

فیلم «شبی در تهران» به کارگردانی بهرام کاظمی با بازی رامبد جوان و ماهیا پطروسیان هم زندگی یک زوج را در شبی از شب‌ها در تهران به تصویر می‌کشد و تهران به عنوان پایتخت مورد توجه قرار می‌گیرد. دیدگاه کارگردان در این فیلم هم متمرکز روی ناامنی و مشکلات زندگی در تهران است.



شب‌های تهران (۱۳۷۹)

در این فیلم شب‌های تهران ناامن به تصویر کشیده می‌شود. از آنجایی که بحث خفاش شب و قتل‌های زنجیره‌ای در آن زمان داغ بود، انتخاب نام تهران به‌عنوان محل ارتکاب این قتل‌ها اهمیت زیادی داشت. فیلم «شب‌های تهران» اثر ملت‌هپی به حساب می‌آید، اما جزو فیلم‌هایی نبود که جایزه‌ای به‌دست بیاورد. نقدهای زیادی درباره آن نوشته شد اما نهایتاً در گیشه، فروش به نسبت خوبی داشت.



آواز تهران (۱۳۷۰)

در فیلم «آواز تهران»، تهران به‌عنوان یک کلانشهر ناامن و غیر قابل اعتماد معرفی می‌شود؛ درست مثل نگاهی که فیلم‌هایی مثل «آقای هالو» به کارگردانی داریوش مهرجویی براساس آن ساخته شده‌اند؛ اینکه تهران پر از افراد سودجوست و برای مسافرانی که از شهرهای مختلف به آن قدم می‌گذارند دام پهن می‌کند. «آواز تهران» هشدار می‌دهد که تهران جای خوبی برای زندگی نیست.



طهران تهران (۱۳۸۸)

سال ۸۸ شهرداری تهران یک فیلم ۱۳‌پیزودی سفارش داد که اپیزود اول با عنوان «تهران روزهای آشنایی» توسط داریوش مهرجویی و «تهران سیم آخر» توسط مهدی کرم‌پور ساخته شد. اپیزود «طهران تهران» را قرار بود سیف‌الله داد بسازد که متأسفانه پیش از شروع ساخت فیلم درگذشت.



تهران ساعت ۷ صبح (۱۳۸۱)

در فیلم سینمایی «تهران ساعت ۷ صبح»، تهران به عنوان یک شهر مدرن با خستگی‌ها و روزمرگی‌هایش به تصویر کشیده می‌شود. امیر شهاب رضویان روی یک روز از زندگی چند نفر از شهروندان تهرانی در یک ساعت به‌خصوص دست گذاشته بود؛ فیلمی اپیزودیک که در هر بخش، روی زندگی یک شخصیت تمرکز داشت. به‌طور کلی رضویان قصد داشت شمایی از زندگی مردم در دهه ۸۰ به تصویر بکشد.



طهران روزگار نو (۱۳۷۸)

در این فیلم هم مثل «هزارستان»، تهران به عنوان پایتخت سیاسی کشور ایران مورد توجه قرار می‌گیرد و مجموعه وقایع در دهه ۲۰ در این شهر به تصویر کشیده می‌شود؛ از ماجرای سرشماری قبل از شهریور ۱۳۲۰ و سرقت جواهرات عروس خان‌مظفر شروع می‌شود و بخش‌های مهمی از سریال را دربر می‌گیرد.

آرش معیریان: دنیای «غبار میمون» را دوست دارم

خودم مخاطبان هر ژانری را بشناسم و امیدوارم «غبار میمون» هم با استقبال مخاطبان مواجه شود. این کارگردان تصریح کرد: من همه مدل فیلمی ساختم‌ام و بعضی از فیلم‌هایم بیشتر دیده شده‌اند که عمدتاً کمدی‌ها هستند. من تعلق خاطر خاصی به کمدی ندارم و معتقدم تمام ژانرهای سینمایی برای خودشان قابلیت‌های خاصی دارند. معیریان در پایان گفت: از همان ابتدا با ژانر، متن و دنیای «غبار میمون» ارتباط گرفتم و احساس کردم می‌تواند خیلی در سینما و تصویر دیده شود. فیلم سینمایی «غبار میمون» به کارگردانی آرش معیریان و تهیه‌کنندگی سعید مرادی درباره یک نیروی ارشد امنیتی است که درمی‌یابد ایمانوئل (دانشمند علوم شناختی) که منبع اوست، از سوی نیروهای سرویس بیگانه شناسایی شده و بنابراین رهسپار کشوری ثالث می‌شود.

«غبار میمون» یکی از فیلم‌های جشنواره امسال است که تقریباً همه در کیفیت نازلش اتفاق نظر داشتند، تریلری جاسوسی که آرش معیریان آن را کارگردانی کرده است. با وجود انتقادات مطرح‌شده، معیریان که بیشتر به ساخت کمدی‌های تجاری شهره است، می‌گوید تعلق خاطری به ژانر کمدی ندارد و دنیای «غبار میمون» را دوست دارد. آرش معیریان، کارگردان فیلم «غبار میمون» که در چهل و چهارمین جشنواره فیلم فجر حضور دارد، بیان کرد: هر فیلم و ژانری مخاطب خاص خودش را دارد و برخورد از طیفی از مخاطبان است. قطعاً هر فیلمی نیز با در نظر گرفتن مختصات مخاطبان خودش ساخته می‌شود. وی درباره دلیل ساخت فیلم سیاسی گفت: من تقریباً در همه ژانرها فیلم ساخته‌ام و می‌سازم. تلاش می‌کنم در حد بضاعت